

مکتب سید □ کربلای ضاحیه □ اسرائیل از لانه عنکبوت هم سست تراست □ دوگانگی رفتار غربی □ نفوذ جریانی، خطرناک است □ شهادت سید مقاومت و آینده حزب الله □ جنوب لبنان، بلای جان رژیم صهیونیستی □ من سرباز رهبر انقلاب!

مکتب سید

چرا از فلسطین حمایت می کنید؟

حمایت از مردم مظلوم فلسطین و لبنان در برابر رژیم غاصب اسرائیل، علاوه بر آنکه مسئولیت انسانی و اسلامی ما در دفاع از مظلومان و ستمدیدگان است، اقدامی راهبردی در راستای حفظ منافع ملی و امنیت کشور است.

فایده طوفان الاقصی چه بود؟

عملیات طوفان الاقصی، یک ضربه تعیین کننده به رژیم صهیونیستی بود. ضربه ای بود که قابل جبران نیست و رژیم صهیونیستی را در مسیری قرار داده که انتهای آن، جزا محلال و نابودی، چیز دیگری نیست.

مسئله اول دنیا چیست؟

سالهای متمادی، تبلیغات رسمی رسانه های وابسته به آمریکا و وابسته به مراکز صهیونیستی ثروتمند، این بود که کاری کنند نام و مسئله فلسطین، به تدریج کم رنگ شود و تدریجا به فراموشی سپرده شود؛ [اما] امروز علی رغم آنها، مسئله فلسطین، مسئله اول دنیاست. در خیابان های لندن، در میدان های پاریس، در دانشگاه های آمریکا، به نفع مردم فلسطین و علیه رژیم صهیونیستی شعار می دهند.

چرا باید به کشورهای دیگر کمک کنیم؟

هر حکومتی، برای دستیابی به حداکثر منافع ملی، حفظ امنیت داخلی و اثرگذاری بین المللی، کمک هایی به برخی کشورها خواهد داشت تا از نفوذ دشمن به کشور، جلوگیری کند؛ همان گونه که فعال کردن ظرفیت این کشورها، زمینه را برای امتیاز گرفتن از کشورهای بیگانه و سلطه جو، فراهم می کند.

عزت لبنان به دست کیست؟

سرنوشت این منطقه را نیروهای مقاومت و در رأس آنان، حزب الله سرفراز رقم خواهد زد. مردم لبنان فراموش نکرده اند که در روزگاری، نظامیان رژیم غاصب، تا بیروت را زیر چکمه قرار می دادند و این حزب الله بود که پای آنان را قطع کرد و لبنان را عزیز و سربلند ساخت.

راز دشمنی غرب؟

همه سخن جمهوری اسلامی ایران که دنیای استکبار را نگران و خشمگین کرده، دعوت به مقاومت است؛ مقاومت در برابر دخالت و شرارت آمریکا و دیگر قدرتهای متجاوز و به دست گرفتن سررشته آینده دنیای اسلام، با تکیه بر معارف اسلامی.

فروپاشی حزب الله ممکن است؟

این [به شهادت رساندن عناصر مؤثر و ارزنده حزب الله]، خسارت بود برای حزب الله؛ اما خسارتی نبود که حزب الله را از پا بیندازد؛ استحكام سازمانی و انسانی حزب الله، بسیار بیشتر از این حرفهاست؛ آنها اقتدارشان، توانایی شان، استحكامشان، خیلی بیشتر از این حرفهاست که با این شهادت ها ضربه اساسی بخورند.

اسرائیل تا کجا پیش خواهد رفت؟

امروز حزب الله، خط مقدم دفاع از امت اسلامی و همه ملت های این منطقه است. برای دشمن صهیونیستی، دین و آیین و مسجد و کلیسا و شیعه و سنی، فرق نمی کند؛ رژیم می است نژادپرست و متجاوز و سفاک؛ اگر مانعی در راه خود نبیند، از هیچ جنایتی به هر گروه و هر ملت، روگردان نیست.

چرا مقاومت؟

ملت های ما، جوانان ما، دانشمندان ما، علمای دینی و روشنفکران مدنی ما، سیاست ورزان و احزاب و جمعیت های ما، امروز باید آن گذشته بی افتخار و شرم آور را جبران کنند؛ باید بایستند و در برابر زورگویی و دخالت و شرارت قدرت های غربی، مقاومت کنند.

فان حزب الله هم الغالبون

کربلای ضاحیه

خط جهاد،
خط شهادت،
خط ماندگاری.

گاهی «نبودن»، روشن ترین دلیل «حضور» است...
«نصرالله» هم رفت تا بماند و خط مقاومت را ماندگار سازد و خونی
شود در رگ های امت اسلام.

شهیدان ماکه نماز سرخشان را با وضوی خون، در محراب شهادت،
رو به قبله تکلیف و تعهد خواندند
و با کوله بار «سلاح» و «صلاح»،
در جبهه خلوص ایستادند،
با خونشان، کارنامه شهادت را امضا کردند.

و چه امضایی معتبرتر از خون؟
آنان فاصله حرف تا عمل و شعار تا جهاد را
با بال عشق پیمودند.

پیشانی بند اخلاص، بر سر داشتند؛
پرچم تقوا بر دوش،
تن پوش ایثار و اخلاص، بر تن.
ما شاگردان این مکتبیم،

با پشتوانه ای از «سنت محمدی»، «سیره علوی»، «شور حسینی»،
«فقه جعفری» و «انتظار مهدوی».

نه مرعوب و اشنگتن هستیم و نه مفتون لندن و پاریس.
نه پای سامری فتنه انگیز رسانه های صهیونیستی، سجده
خود باختگی می آریم،

نه در فضای مجازی، حقیقت را گم می کنیم.
فضای حقیقت، روشن تر از فضای مجازی است.

آنان که سمعک آمریکایی به گوششان،
عینک انگلیسی به چشمشان،

فکر غربی در سرشان
و قلب مادی در سینه شان،
خریداران شایعه و دروغند
و تاجران تهمت

و بافندگان افسانه و تحریف؛

ولی حقیقت، روشن است؛ به روشنی آفتاب.

بگذار شرق گرایان و غرب باوران و سلطنت طلبان و نفاق پیشگان و
هُرهُری مذهببان و داعش زدگان و ملی گرایان و بیگانه پرستان، هرچه
می خواهند بگویند و بنویسند و آهنگ های بدآهنگ بنوازند.

مگر از بوق دشمن، انتظاری جز این است؟

ما تابع ولایتیم،

که مرکز دایره تکلیف است.

هر که جلو افتاد، بیراهه رفت

و هر که عقب ماند، باخت.

الهی! رضاً برضائک...

□ جواد محدثی

فان حزب الله هم الغالبون



اسرائیل از لانه عنکبوت هم سست تر است

آن را به مراد کسی می گردانیم، تا خدا کسانی را که ایمان آورده اند بشناسد و از شما گواهان گیرد. و خدا ستمکاران را دوست ندارد.

این آیات خونی تازه در رگ های مسلمانان جاری کرد و سکون و سستی ایشان را به حرکت و حماسه مبدل ساخت؛ مفسران اذعان دارند که خداوند اراده فرمود: کفار را مرعوب سازد لذا به مسلمین فرمان داد که مشرکین را دنبال کنند و ضمن تشویق و تحریض،

آن ها را از سستی ورزیدن و حزن و اندوه نهی فرمود و به آن ها وعده داد که در صورتی که به ایمان به خدا تمسک بجویند سرانجام پیروزی با آنان خواهد بود،

**

سید حسن نصرالله زنده است و طنین صدای این بازوی ولایت همچنان به گوش می رسد که صف یکپارچه کنید و مستحکم به فرمان ولی خدا بسنده کنید؛ نه تند و نه کند؛ گام در گام مقتدای خود، فرصت بازسازی و ترک تازی را از دشمن بگیرید و با درایت نقشه دشمن را خنثی کنید و رعب و ترس را در دل دشمن زبون بیفکنید چرا که:

والله که اسرائیل از لانه عنکبوت هم سست تر است.

دستور داد شعار دهند: الله اعلى وأجل (خدا بزرگتر و تواناتر است). ابوسفیان شعار را عوض کرد که: نَحْنُ لَنَا الْعَزَى وَالْعَزَى لَكُمْ (ما بُت بزرگ عَزَى داریم شما ندارید) پیامبر (ص) دستور داد بگویند: الله مولانا و لأمولى لكم. ابوسفیان داد زد که:

امروز به عوض روز بدر. پیامبر (ص) به مسلمانان دستور داد بگویند که: این دو روز مساوی نیست کشتگان ما در بهشت و کشتگان شما در جهنم می باشند.

نزول بخشی از آیات سوره آل عمران همچون باران رحمتی بود که غبار غم زدود و دل افسرده زخم خوردگان جنگ التیام بخشید:

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ
إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛

ستی مکنید و اندوهگین مباشید، زیرا اگر ایمان آورده باشید شما برتری خواهید جست.

خداوند برای بازسازی روحیه مردان جبهه حق از این سنت یاد فرمود:

إِنْ يَمْسَسْكُمْ فَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ فَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ؛

اگر بر شما زخمی رسید، به آن قوم نیز همچنان زخمی رسیده است. و این روزگار است که هر دم

حال امروز بسیاری از مردم ما خوب نیست و ترک تازی خشن و بی رحمانه دشمن دل ها را غمگین ساخته است؛ اوج بی قراری مردم را با شنیدن خبر شهادت سید مقاومت می توان در سیما و سیرت آنان دید.

حال مردم ما بد است؛ چرا که همواره حضور پیروزمندانه نصرالله را در میدان های سخت مایه خشنودی خود می دیدند و لیکن امروز شاهد پیکر خونین اویند و بر غم از دست دادن سردار همواره فاتح می گریند و گاه احساس سستی و شکست دارند؛ بخصوص کری خوانی نتانیاها و خوشحالی حامیان او را زخمی بر دل محزون خویش می بینند.

**

از یاد نبریم که این فراز و نشیب ها بخشی از زندگی امید بخش مومنان است؛ به ساعات پس از شکست پیکار احد بنگرید؛ با غفلت جمعی از مسلمان و سستی و عدم پابیندی به کلام پیشوای خود، جمع مبارزان گسست و حمزه به شهادت رسید؛ تعداد بسیاری شهید و مجروح شدند و جمع زیادی فرار کردند.

احساس شکست بزرگترین آفتی بود که می توانست مسلمانان را به بن بست بکشاند و در این میان امیر امت و پیامبر رحمت به جمع کردن جمع پراکنده محزون و غمگین سپاه اسلام اقدام کرد و نخست رجز پراکنی دشمن را بی جواب نگذاشت؛ ابوسفیان در حالی که بت های بزرگ خود را در دست داشت و شعار می داد که: اَعْلَى هُبَل (بزرگ است بُت هُبَل). رسول خدا (ص) به مسلمانانی که اطراف او بودند

دوگانگی رفتار غربی

اوکراین که مستعمره فرهنگ غربی است «برهم زدن نظم جهانی» یاد می‌شود.

۵. تغییر دهنده ارزش‌ها

یکی از خصوصیات فرهنگ غربی تغییر باورها و ارزش‌های انسانی و دینی از راه «عادی سازی» است. عادی سازی هنجارهای نادرست و ایجاد سبک متفاوت از زیستن از طریق برنامه‌ریزی دقیق، گسترده و مستمر در جهت محو ارزش‌های رقیب و تثبیت باورهای همسو با فرهنگ غرب صورت می‌پذیرد. اشاعه «فرهنگ ارتکاب‌گناه» با ارائه الگوهای

گونگون در جهت «لذت‌بری حداکثری» و وجیه ساختن اصل ارتکاب‌گناه از طریق «تئوریزه کردن مطلوبیت گناه» در محافل علمی در غرب شکل گرفت. کشتار وحشیانه و گسترده مردم غزه نوعی عادی سازی کشتن انسان‌های بی‌گناه است که در قالب عناوینی مانند «آزادی»، «مبارزه با تروریسم»...

«برقراری عدالت»، «دفاع مشروع» و ... وجهت علمی و قانونی پیدا می‌کند. در سوی مقابل، اعتراض به تبدیل ساختن کشور اوکراین به پایگاهی برای پی‌ریزی نقشه‌های شوم غرب و حمله به آن تحت عناوینی مانند «ترویج خشونت در جهان»، «جنایت جنگی»، «نقض قوانین بین‌المللی» و ... محکوم می‌شود. جالب آنکه تشکیل پایگاهی غربی-یهودی به نام «اسرائیل» و پایگاهی غربی-اسلامی به نام «داعش» در میان کشورهای اسلامی عاری از هر گونه کژرفتاری بوده، حمله به این پایگاه‌ها موجب بسیج کشورهای غربی برای حمایت از آنان شده است.

□ ابوالفضل حسینی

تلقی می‌شود. بی‌تردید قرار گرفتن امکانات نظامی در دست اصحاب این اندیشه، «کشتارهای جمعی قانونی» را به دنبال دارد.

۳. سلطه طلبی

ویژگی منحصر به فرد تمدن غرب، «سلطه طلبی» آن است که در فرهنگ‌های دیگر مشاهده نمی‌شود. روحیه سلطه طلبی غرب، عناصر حیاتی یک زندگی مانند علم، سیاست، فرهنگ، اقتصاد را «ابزار» حداکثرسازی منافع مادی خویش کرده است. ابزارهای منقطع

از دین در دست مستکبرین، به یغما رفتن ثروت‌های ملت‌ها و «استثمار» آنان رارقم می‌زند. در بینش غربی، حمله به اوکراین، به عنوان یک کشور ابزار برای حداکثرسازی منافع غربی، «جنایت» نامیده می‌شود اما حمله به ملت مظلوم غزه که بر اساس پیروی از تعالیم اسلام اصیل، مانعی در برابر اهداف تمدن غربی به شمار می‌رود، «دفاع مشروع» تعریف می‌شود.

۴. فرهنگ مهاجم و هویت زدا

خوی سلطه طلبی، فرهنگ غرب را به فرهنگی «مهاجم» و «هویت‌زدا» مبدل ساخته است. امروزه با افزوده شدن شکل «نرم» تهاجم در کنار تهاجم سخت، قدرت تخریبی این فرهنگ مضاعف شده است. تغییر افکار، امیال، اهداف و ابزار یک ملت در راستای منویات فرهنگ غربی، استثماری کم‌هزینه و پرفایده را برای تمدن غرب به ارمغان می‌آورد. فرهنگ اصیل اسلامی پرهزینه‌ترین فرهنگ رقیب برای هویت‌زایی فرهنگ غربی است؛ از این رو، تهاجم به کشور مسلمان فلسطین و قتل عام مبارزان آن «پاک‌سازی برای برقراری عدالت» انگاشته می‌شود؛ اما از حمله به کشور

تلاش تمدن غرب برای حذف رقیب، دو جنگ نسبتاً طولانی را در سال ۱۴۰۲ در دو نقطه جهان (اوکراین و غزه) و با دو استاندارد کاملاً متفاوت رقم زد. بازخوانی «اندیشه غرب» معیارهای دوگانگی مواجهه جهان غرب با یک پدیده (جنگ) در دو جبهه را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

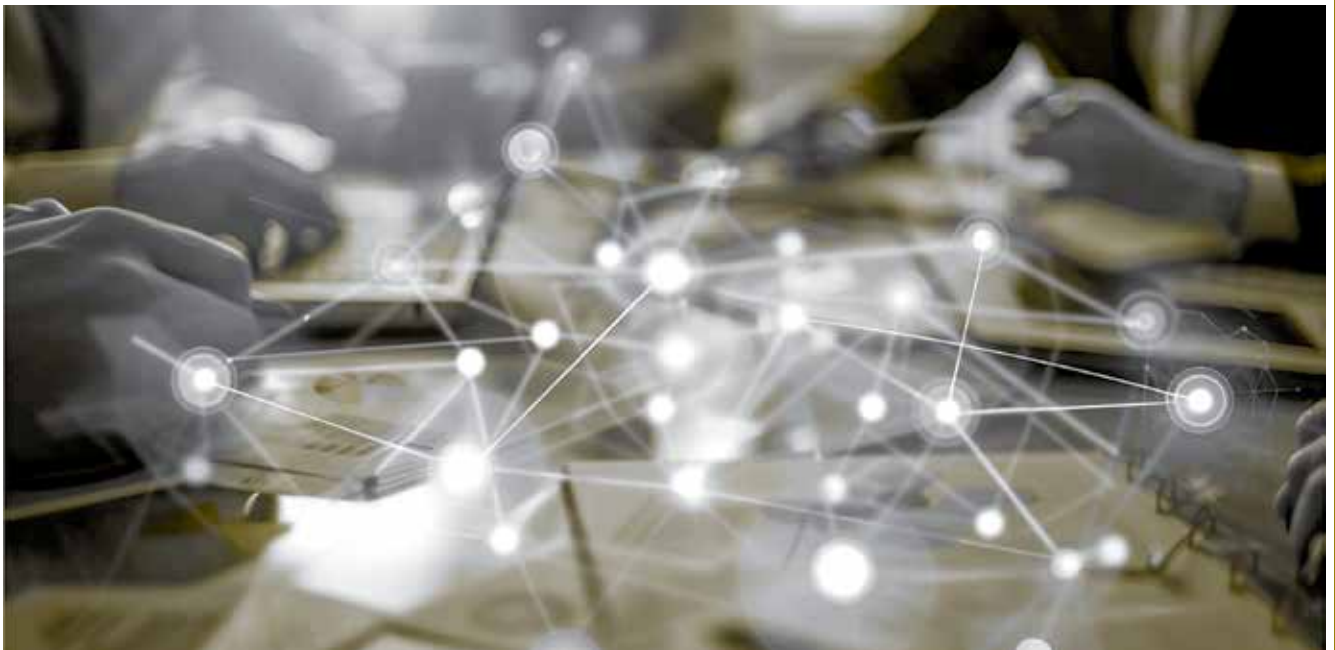
۱. نگاه مادی به هستی

اندیشه غربی، جهان را بر اساس یک بینش مادی تفسیر می‌کند. در این نگرش، انسان موجودی مادی است که تمام تلاش خویش را برای حداکثرسازی سود مادی خود بکار می‌گیرد حتی اگر به قیمت حذف فیزیکی رقیبان خویش از طریق برپایی جنگ باشد. در این نگاه، حمایت از اوکراین - به عنوان تأمین‌گر منافع مادی غرب - «حمایت از مظلوم» به شمار می‌رود اما حمایت از فلسطینی‌های مظلوم غزه که مورد تجاوز آشکار صهیونیست‌ها قرار گرفته‌اند، «حمایت از تروریست» تعریف می‌شود؛ زیرا جریان غرب، تفکر اسلام اصیل و مقابله‌گر با طاغوت را اصلی‌ترین و تنهاترین رقیب خویش می‌داند.

۲. انقطاع از معنویت و اخلاق

تمدن غربی بر پایه ستیز با معنویت و طرد دین بنا شده است. تفکر غرب در نفي «تکلیف» برخاسته از دین تا جایی پیش رفته است که نه تنها تفکرات دینی بلکه تفکرات غیردینی و تمام ایدئولوژی‌های دربردارنده تکلیف (باید و نباید) را با شعار «آزادی» نفي کرده است. در مکتب غرب، انسان منهای خدا و دین تعریف شده، انسانیت یک فرد با توجه به توانایی وی در تأمین منافع مادی صاحبان قدرت و ثروت سنجیده می‌شود و انسان‌های جهان از حیث انسانیت «رتبه‌بندی منفعتی» می‌شوند؛ بر این اساس فردی اوکراینی، شهروندی است با درجه انسانیت بالا که «حمایت» از او کاری انسانی به شمار می‌آید در حالی که ساکن غزه، موجودی با درجه انسانیت بسیار پایین (یا حتی خارج از مدار انسانیت) است که «کشتار» آنان، کاری انسانی

نفوذ جریانی، خطرناک است



هر ساختار و سازمانی، هم نیازمند مقاوم سازی است و هم نیازمند مراقبت؛ یعنی هر چقدر هم محکم و مقاوم باشد، باید مواظب و مراقب باشد که دچار آفت و آسیب نشود. یکی از آسیب ها و آفت های مهمی که اگر در ساختاری رخنه کند، زمینه ساز ویرانی آن خواهد بود، مسئله نفوذ است.

انواع نفوذ

الف. نفوذ فردی

نفوذ فردی و موردی، یعنی شخص یا فردی، با ماموریت و برنامه مشخص، خودش را وارد ساختار یا سازمانی می کند تا اطلاعات و اخبار آن مجموعه را منتقل کند که نمونه های زیادی در طول تاریخ از این گونه نفوذها گزارش شده است.

در سال ۱۹۱۸م. جنگی بین عراقی ها و انگلیسی ها شکل گرفت که در آن، آخرین شهری که توسط انگلیسی ها تصرف شد، شهر نجف بود. نکته جالب آن که پس از تصرف شهر، معلوم شد فردی که سال ها نوکر و ملازم یکی از مراجع نجف بود، از افسران انگلیسی بود که با بسیاری از طلاب، مانوس و محشور بود و از بسیاری از روابط و ضوابط هم خبر داشت.

ب. نفوذ جریانی

شکل دیگر نفوذ، نفوذ جریانی است. نفوذ جریانی، یعنی شبکه سازی در بین مردم و ملت، برای تحقق یک هدف خاص.

در نفوذ جریانی، به وسیله پول، جاذبه های جنسی، شهرت طلبی و... افراد مؤثر، یعنی افرادی که می توانند در جامعه اثرگذار باشند را برای تحقق

هدف مورد نظر خود، جذب می کنند.

مهم ترین هدف در نفوذ جریانی، عبارت است از تغییر باورها، آرمان ها، نگاه ها و سبک زندگی؛ یعنی کاری کنند تا شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر می کند؛ یعنی به گونه ای شود که فرد، همان طوری به مسئله نگاه کند که دشمن او نگاه می کند. مثلاً یک مسئول نظام جمهوری اسلامی، همان طور تشخیص دهد که یک مأمور عالی رتبه

سیا تشخیص می دهد و در نتیجه، همان چیزی را بخواهد که آن مأمور، به دنبال آن است. وقتی چنین شد، خیال دشمن آسوده می شود؛ زیرا بدون اینکه خودش را به خطر بیندازد و وارد عرصه بشود، فرد مورد نفوذ، برای او کار می کند.

واضح است که اگر این نفوذ، نسبت به اشخاصی انجام بگیرد که در سرنوشت، سیاست و آینده کشور، تأثیر دارند، آرمان ها، ارزش ها، خواست ها و باورها تغییر پیدا خواهند کرد.

باور بسیاری از مردم و ملت ها این است که در مسئله فلسطین، سالیان سال است که ملتی، مورد ظلم آشکار هستند و واضح است که حق هر کسی است که وقتی به او ظلم می شود، از خود دفاع کند؛ اما از نظر سیاستمدار آمریکایی و روشنفکر غربی، این ظلم ده ها ساله، به دفاع اسرائیل از هویت خود

تفسیر می شود؛ یعنی او ظلم را دفاع از خود تفسیر می کند. حال اگر دشمن توانست نگاه شما را هم از ظلم، به دفاع از هویت تغییر دهد و شما هم مثل او نگاه کنید و بگویید اسرائیل دارد از هویت خودش دفاع می کند، آن وقت است که نفوذ جریانی، شکل گرفته و دشمن به هدف خود رسیده است.

نزدیک به یک سال است که شبانه روز بر سر مردم غزه، آتش می ریزند و مردم بی دفاع و خانه، زندگی، مزرعه، فرزندان، مدرسه و بیمارستان هایشان را مورد

تهاجم قرار می دهند؛ اما برخی اصرار دارند بگویند اسرائیل دارد از خودش دفاع می کند!

اگر کسی این ظلم یک ساله، بلکه ظلم هشتاد ساله اسرائیل را به دفاع از خود تفسیر و تحلیل کند، یعنی نگاه او در راستای خواست

مهم ترین هدف در نفوذ جریانی، عبارت است از تغییر باورها، آرمان ها، نگاه ها و سبک زندگی؛ یعنی کاری کنند تا شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر می کند؛ یعنی به گونه ای شود که فرد، همان طوری به مسئله نگاه کند که دشمن او نگاه می کند.

دشمنان، تغییر کرده و او تحت تأثیر نفوذ جریانی قرار گرفته است و چنین کسی، گزینه بسیار خوبی برای نفوذ موردی خواهد بود.

شبکه سازی و جریان سازی نفوذ، موجب می شود کسی که مثلاً در داخل ایران زندگی می کند، نگرش ها، ارزش ها و آرمان ها و سبک زندگی او، همانی بشود که سیاستمدار آمریکایی یا اسرائیلی، به دنبال آن است. این نشان می دهد که نفوذ، به ویژه نفوذ جریانی، چقدر خطرناک است.



شهادت سید مقاومت و آینده حزب الله

نصرالله، حزب الله نابود نخواهد شد، گفت: «نگرانی اصلی ما، اندیشه و ایمان جبهه مقاومت است؛ اعتقاد به جهاد فی سبیل الله و روحیه شکست ناپذیری حزب الله، مانع هر گونه خوش بینی مادر آینده است».^۴

همچنین روزنامه واشنگتن پست، در مقاله ای، با اشاره به امید صهیونیست ها برای پیچیدن نسخه مقاومت لبنان با ترور سید حسن نصرالله، خاطرنشان کرد: «حزب الله، جنبشی است که در قلب جامعه لبنان، پذیرفته شده و ترور شخصیت ها، آرمان آن را از بین نمی برد. بعید است که ترور نصرالله، برای حزب الله لبنان، ضربه ای سهمگین بوده باشد؛ زیرا حزب الله، در عمق جامعه مردم لبنان، ریشه دوانده و با تار و پود آنان عجین شده است». این رسانه آمریکایی، یادآور شد که «سید عباس موسوی، دبیرکل سابق حزب الله لبنان نیز در حمله هوایی رژیم صهیونیستی به شهادت رسید؛ اما این گروه، نه تنها از بین نرفت؛ بلکه با روی کار آمدن نصرالله به عنوان دبیرکل جدید، به قدرتمندترین نیروی غیردولتی در جهان بدل شد».

واشنگتن پست نیز می گوید: «بعید است که این آرزوی صهیونیست ها محقق شود و احتمالاً حالا که دبیرکل حزب الله به دست صهیونیست ها ترور شده، حملات نیروهای مقاومت، تشدید خواهد شد». این روزنامه، گزارش خود را با این جمله کلیدی، به پایان می برد: «نصرالله رفته، اما حزب الله پابرجاست».^۵

آینده حزب الله و مقاومت، تحقق آرمان شهدای مقاومت و در رأس آنان، سید مقاومت است که همان نابودی رژیم جعلی صهیونیستی و آزادی قدس شریف است که به اذن الله، دیری نخواهد پایید. «وَمَا التَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ».^۶

□ علی مجتبی زاده

رهبری حزب الله، با بالاترین، مقدس ترین و گرانقدرترین شهید در سفر فداکاری، عهد می بندد که به جهاد خود در مقابله با دشمن، حمایت از غزه و فلسطین و دفاع از لبنان و مردم استوار و شریف آن، ادامه خواهد داد. رهبر، همچنان با اندیشه و روح و خط و رویکرد مقدس خود، در میان ماست و در عهد وفاداری و پایبندی به مقاومت و فداکاری، تا پیروزی هستید

شهادت سید مقاومت، سید حسن نصرالله، ممکن است این سؤال را در برخی اذهان مطرح کند که با توجه به جایگاه بی نظیر ایشان در حزب الله و محور مقاومت، آینده حزب الله و مقاومت چه خواهد شد؟

در اینکه شهادت سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان، ضربه ای سنگین به پیکر حزب الله بود، تردیدی وجود ندارد و جبهه مقاومت، یکی از بازوان توانمند و مؤثر خود را از دست داد؛ اما حزب الله و مقاومت، فرهنگ، ایده و باوری است که برآمده از مبانی اسلام ناب بوده، در عمق جان مردم، ریشه دوانده و دارای پایگاه اجتماعی مستحکمی است و چنین فرهنگ و تفکری، وایسته به شخص نیست و با رفتن یک نفر، دچار تزلزل نخواهد شد. همان

گونه که با شهادت سید عباس موسوی، دبیرکل پیشین حزب الله، این گروه، نه تنها متوقف نشد، بلکه با آمدن سید حسن نصرالله، به نیروی عظیمی تبدیل شد که جنوب لبنان را از لوٹ وجود رژیم صهیونیستی، پاک ساخت و پیروزی افتخارآمیز در جنگ ۳۳ روزه را رقم زد. با رفتن سید حسن نصرالله نیز این راه ادامه خواهد یافت. از این جهت، مقام معظم رهبری فرمود: «سید مقاومت، یک شخص نبود؛ یک راه و یک مکتب بود و این راه، همچنان ادامه خواهد یافت. خون شهید سید عباس موسوی بر زمین نماند؛ خون شهید سید حسن هم بر زمین نخواهد ماند».^۱

در بیانیه حزب الله نیز این گونه آمده است: «رهبری حزب الله، با بالاترین، مقدس ترین و گرانقدرترین شهید در سفر فداکاری، عهد می بندد که به جهاد خود در مقابله با دشمن، حمایت از غزه و فلسطین و دفاع از لبنان و مردم استوار و شریف آن، ادامه خواهد داد. رهبر، همچنان با اندیشه و روح و خط و رویکرد مقدس خود، در میان ماست و در عهد وفاداری و پایبندی به مقاومت و فداکاری، تا پیروزی هستید».^۲

این تفکر و رسالت، سد محکمی در برابر نظام سلطه و فرزند نامشروع آن، رژیم صهیونیستی است و قطعاً رژیم جنایتکار صهیونیستی، به اهداف خیالی خود از این ترور و جنایت، دست نخواهد یافت و این نکته ای است که حتی از دید مقامات و تحلیلگران صهیونیستی هم پنهان نمانده است. به عنوان نمونه، الی کوهن، وزیر انرژی رژیم اسرائیل، چنین اعتراف کرد: «ترور نصرالله، بازگشت ساکنان شمال فلسطین اشغالی را تضمین نمی کند؛ بلکه این ترور، گامی اضافی در مسیر تحقق این هدف بوده است».^۳

منشاه امیر، مدیر رادیو رژیم صهیونیستی نیز با تأکید بر اینکه با رفتن سید حسن

پی نوشت:

۱. پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت شهادت سید حسن نصرالله؛ ۱۴۰۳/۷/۷
۲. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1403/07/07/3167172>
۳. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1403/07/08/3167827>
۴. <https://www.yjc.ir/fa/amp/news/8832685>
۵. <https://www.isna.ir/news/1403070806537>

۶. آل عمران، آیه ۱۲۶.

جنوب لبنان، بلای جان رژیم صهیونیستی

مشهد

ماهنامه ویژه‌پوش مطالعاتی
دانش‌جویان و طلاب جوان
شماره بیست‌وهفتم / مهر ۱۳۹۳

۷

با تعطیل شده‌اند و یا مجبورند به مکان‌های دیگر منتقل شوند و ثبات نیروی کار در کارخانه‌های شمالی، به کمتر از ۵۰ درصد رسیده است.^۱

وزارت جنگ رژیم صهیونیستی، به خسارات هنگفت در شهرک‌های شمالی اراضی اشغالی در مرز بالبنان، اذعان کرده و از تلفات گسترده و خسارت‌های بزرگی که به ساختمان‌ها، تجهیزات و زیرساخت‌های این رژیم در شمال فلسطین اشغالی وارد شده، صحبت کرد.^۲

اسرائیل هیوم نیز نوشت: منطقه شمال، در حال از دست رفتن است. مناطق شمالی، در حال سوختن هستند و بر اثر آتش یا حملات راکتی، تقریباً خالی از

رژیم صهیونیستی که در طول یک سال گذشته، از عملیات طوفان الاقصی در غزه و مقابله با حماس، دستاوردی جز کشتار غیرنظامیان و حمله به مناطق مسکونی و تخریب زیرساخت‌ها نداشته و به هیچ کدام از اهداف اعلامی خود دست نیافته، چرا خود را درگیر جبهه دیگری در مقابله با حزب الله نموده است؟ پاسخ این سؤال را وقتی درخواهیم یافت که بدانیم در این مدت، حزب الله لبنان، چه بلایی بر سر این رژیم جعلی در مناطق شمالی آن آورده که به چنین وحشی‌گری روی آورده است. بیشتر جمعیت سرزمین‌های اشغالی را شهرک‌نشین‌ها تشکیل می‌دهند و در نتیجه حملات حزب الله، ده‌ها هزار شهرک‌نشین در شمال سرزمین‌های اشغالی،

مجبور به فرار شده‌اند و با توجه به حملات موشکی و پهپادی حزب الله به عمق اراضی اشغالی، این مناطق، دیگر برای ساکنان آن، امن نخواهد بود.

سانسور نظامی شدید صهیونیست‌ها در زمینه تلفات جبهه شمالی اراضی اشغالی، ناشی از موفقیت حزب الله در ایجاد کمربند امنیتی

در مناطق و اراضی تحت سیطره اسرائیلی‌هاست.

ایجاد کمربند امنیتی توسط مقاومت در اراضی تحت اشغال صهیونیست‌ها،

برای نخستین بار، از زمان روز نکبت در سال

۱۹۴۸م. تا کنون اتفاق افتاده که ضربه بزرگی به

دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی وارد کرده است؛ زیرا دکترین امنیتی

این رژیم، بر مبنای این است که باید جنگ در خاک دشمن انجام شود؛ اما امروز مقاومت

لبنان، جنگ را به درون اراضی اشغالی کشانده است.^۳

ایجاد کمربند امنیتی توسط مقاومت در اراضی تحت اشغال صهیونیست‌ها، برای نخستین بار، از زمان روز نکبت در سال ۱۹۴۸م. تا کنون اتفاق افتاده که ضربه بزرگی به دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی وارد کرده است؛ زیرا دکترین امنیتی این رژیم، بر مبنای این است که باید جنگ در خاک دشمن انجام شود؛ اما امروز مقاومت لبنان، جنگ را به درون اراضی اشغالی کشانده است.

سکنه شده‌اند.^۴

اگر روزگاری، جنوب لبنان، تحت اشغال رژیم صهیونیستی قرار داشت، با تدبیر و رهبری سید مقاومت و رشادت فرزندان حزب الله، نه تنها این رژیم غاصب، مجبور به عقب‌نشینی از آن شد، بلکه شکست در جنگ ۳۳ روزه نیز بر این رژیم، تحمیل گردید و به نقطه عزت لبنان تبدیل شد و امروز مقاومت لبنان، جنگ را به درون سرزمین‌های اشغالی کشانده و دکترین امنیتی این رژیم را خدشه‌دار کرده است. همان گونه که مقام معظم رهبری فرمود: «جنایتکاران صهیونیست بدانند که بسیار کوچکتر از آنند که به ساخت مستحکم حزب الله لبنان، صدمه مهمی وارد کنند. همه نیروی مقاومت منطقه، در کنار حزب الله و پشتیبان آن است. سرنوشت این منطقه را نیروهای مقاومت و در رأس آنان، حزب الله سرفراز رقم خواهد زد. مردم لبنان فراموش نکرده‌اند که در روزگاری، نظامیان رژیم غاصب، تا بیروت رازیر چکمه قرار می‌دادند و این حزب الله بود که پای آنان را قطع کرد و لبنان را عزیز و سربلند ساخت. امروز هم لبنان به حول و قوه الهی، دشمن متجاوز و خبیث و روسیاه را پشیمان خواهد کرد».^۵

پی نوشت:

۱. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1403/07/07/3166834>

۲. <https://fa.alalam.ir/news/6879463>

۳. همان

۴. <https://www.mashregnews.ir/photo/1610609>

۵. پیام رهبر معظم انقلاب در پی

حملات رژیم صهیونیستی به

جنوب لبنان، ۷ مهر ۱۴۰۳

بخش زیادی از حملات حزب الله تا کنون، بر صنایع کلیدی رژیم صهیونیستی متمرکز بوده است. بخش بزرگی از صنایع نظامی، اقتصادی، شرکت‌های صنعتی، معادن و زمین‌های کشاورزی رژیم صهیونیستی، در معرض حملات حزب الله است. از زمان آغاز جنگ، شرکت مهم صنایع نظامی رافائل رژیم صهیونیستی، به دلیل درگیری‌های مداوم در شمال، مجبور شد فعالیت‌های خود را در کارخانه‌ای در نزدیکی شهرک شلومی، به مناطق عقب‌تر منتقل کند. روزنامه عبری کالکالیست، در گزارشی در ژوئن ۲۰۲۴م. اعلام کرد که مراکز صنعتی اصلی اسرائیل در شمال،

من سرباز رهبر انقلابم!

کرد، باید اطاعت و اجرا کنیم و در جایی که نهی کرد، باید توقف کنیم و مرتکب نشویم؛ اما مهم این است که در جایی که امر و نهی ای نشده، ولی می دانیم رضایت ولی در انجام یا ترک این عمل است، باید به آن هم ملتزم باشیم و آیت الله مصباح در پاسخ فرمود: ولایت حقیقی، همین است.

در خلوص سید حسن نصرالله، می توان ساعت ها سخن گفت؛ اما ذکر مثالی از این شخصیت بی بدیل، برای رساندن مطلب کافی است. یکی از نزدیکان سید، چنین نقل می کند: اولین جلسه کنفرانس بین المللی حمایت از انتفاضه بود. پس از سخنرانی، هنگامی که آقا در حال عبور از سالن کنفرانس بود، سید حسن نصرالله، خودش را به آقا رساند و دست ایشان را بوسید. برایم کمی تأمل برانگیز بود. یک روز بعد که به دیدار سید رفتم، قضیه را پرسیدم. سید حسن گفت: امسال رسانه های جهانی، مرا به عنوان «مرد سال» نامیدند و در کشورهای عربی نیز عنوان «موفق ترین رهبر جهان عرب» را به من دادند. دیروز چون مراسم به طور مستقیم در جهان پخش می شد، مناسب دیدم به همه بگویم که من سرباز رهبر انقلابم.

دیدار فرستاده جنبش انصارالله با سید حسن نصرالله، از دیگر مثال هایی است که شخصیت ممتاز سید مقاومت را نشان می دهد. بر اساس این روایت، فرستاده سید عبدالملک الحوتی، نزد سید حسن نصرالله رفته بود تا با او به عنوان «امام» بیعت کند. چون زیدی ها معتقدند امام، آن سید علوی فاطمی است که قیام بالسیف (شمشیر) کرده باشد؛ اما سید حسن فرموده بود: «به جای بیروت، باید به تهران می رفتی! دست بیعت من هم در دست سید دیگری است»؛ لذا پس از آن دیدار، نماینده انصارالله، محمد عبدالسلام، خدمت مقام معظم رهبری رسیده، خطاب به ایشان عرض کرد: «ولایت شما را امتداد خط پیامبر اسلام و ولایت امیرالمومنین می دانیم» و با این عبارت، بیعت خود را اعلام داشت.

نمی توان از کنار سخنان و مواضع مکتبی سید مقاومت، به سادگی عبور کرد. او شخصیتی بین المللی بود که محبوبیتش از گستره لبنان و کشورهای اسلامی، گذشته بود و در تمام دنیا، طرفداران و مشتاقانی داشت. اندکی از این محبوبیت، مانع می شود افراد چنین تواضعی نشان داده، اینچنین خود را سرباز ولایت بدانند.

امروز که شاهد شهادت این عالم مجاهد هستیم، قطعاً دل تنگ صفا، صداقت، شجاعت، بزرگواری، بصیرت و ولایتمداری این بزرگ مرد تاریخ هم خواهیم شد؛ مردی که کل عمر با بیکتشت، در مبارزه با استکبار و در حمایت از خیمه گاه ولایت گذشت. می دانیم که او تکرار نخواهد شد؛ پس مطلب را به سخن دیگری از این انسان مومن فداکار، ختم می کنیم: «من دعایم کنم که خدا یا! از عمر من کم کن و به عمر حضرت آقا اضافه کن؛ نه، بلکه می گویم خدا یا! بقیه عمر مرا بگیر و به عمر ایشان اضافه کن؛ زیرا او عمود بلند خیمه است».

□ روح الله رضوی

تعریف می کرد که از همان کودکی، شال مشکی مادر بزرگش را به سر می پیچید و خود را شبیه روحانیان می کرد و از اهل منزل می خواست تا پای سخنان او بنشینند. از همان زمان، کتاب های مذهبی مطالعه می کرد و شیفته امام موسی صدر بود و همین عشق و علاقه، او را در زمره مریدان امام خمینی و نایبش امام خامنه ای وارد کرد.

صحبت از سید حسن است؛ سید حسن نصرالله؛ سید مقاومت؛ او که همچون سنگر بود و با سنگرشکن به سراغش رفتند.

سخن از سید، سخت است؛ نه از آن جهت که نمی شود او را شناخت؛ بلکه از آن جهت که زوایای شخصیتش، عظیم و وسیع است و یارای توصیفش نیست.

ارادت ویژه ای به امام خمینی داشت و در سال ۱۳۶۱، به همراه سید عباس موسوی، دبیرکل وقت حزب الله، به دیدار امام شتافت. با آن که کم سن و سال بود، امام عارفان، در او ظرفیتی یافت که نمایندگی امور حسبه و شرعیه خود را در لبنان، به او سپرد و او در ۲۱ سالگی، نماینده امام در لبنان شد.

سال ها بعد، در ۱۳۶۶، برای ادامه تحصیل به ایران آمد و با بسیاری از مقامات و مسئولان، ارتباط گرمی گرفت و در همین مدت، بر زبان فارسی تسلط یافت. در سال ۱۳۶۸، مقام معظم رهبری، به دلیل صمیمیت و علاقه ای که به سید داشت، درخواست سید عباس موسوی را برای بازگشت سید حسن، نپذیرفت و در بار دوم بود که اصرار سید عباس موجب شد ایشان موافقت نماید.

سید حسن نصرالله، با اعتقاد راسخ به ولایت فقیه، همواره خود و حزب الله را تحت امر ولایت فقیه می دانست و در راستای عمل به منویات مقام معظم رهبری، حرکت کرد و همیشه حمایت خود را از ایران در برابر تهدیدات خارجی و داخلی، اعلام می نمود.

فراموش نمی کنیم که در زمان همآوردی ترامپ، سید مقاومت، یک سخنرانی حماسی ایراد کرد و گفت که دشمن تصمیم دارد خیمه گاه ما را که امیر و امام آن، آیت الله خامنه ای است و مرکز آن، ایران است، محاصره کند؛ اما ما اعلام می کنیم که بدون هراس از مرگ، حتی اگر هزار بار ما را بسوزانند و زنده کنند، هرگز ایشان را ترک نخواهیم کرد.

با وجودی که در ایران، مردم و به ویژه خواص، حضور دو ولی فقیه را درک کرده اند؛ اما مشاهده می کنیم که بسیاری،

ولایت و ولایتمداری را از جان و دل، فهم نکرده اند و بسیاری از مشکلات کشور، ناشی از همین مسئله است؛ حال که سید مقاومت، در مصاحبه ای، باورش به ولایت و عرضه آن به محضر آیت الله مصباح یزدی می گوید که به ایشان عرض کردم من ولایت را چنین می فهمم که هر جا ولی، امر

